



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

بدعهدی آمریکا در معاهده‌های بین‌المللی (۳)

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب‌سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: مهدی ناجی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

- ۱ ■ مقدمه
- ۱ ■ حقوق حاکم بر رفتار با اسیران جنگی
- ۲ ■ جنبه های گوناگون وضعیت حقوقی اسیران جنگی
- ۳ ■ مفهوم اسیر در کنوانسیون ۱۹۴۹
- ۳ ■ نقض آشکار حقوق بشر دوستانه در برخورد با اسرای جنگی از سوی آمریکا بر اساس معاهده ژنو
- ۴ ■ شکنجه غرق مصنوعی
- ۵ ■ شواهد استفاده از روش غرق مصنوعی
- ۷ ■ اتفاق نظر دولت مردان آمریکایی در خصوص استفاده از غرق مصنوعی
- ۸ ■ استانداردهای دوگانه آمریکا در رعایت حقوق زندانیان
- ۱۰ ■ کلام آخر



در عصر حاضر، تحولی عمیق در مفهوم حاکمیت رخ داده و مداخله جامعه جهانی در امور دولت‌ها حادث شده که مسئله زندانیان و اسرای جنگی نیز از این امر مستثنی نمانده، به گونه‌ای که یک سلسله قوانین، مقررات و کنوانسیون‌های الزام‌آور بین‌المللی تنظیم شده است که دولت‌ها به اجبار باید از آن تبعیت نمایند، در غیر این صورت، با واکنش جامعه جهانی مواجه می‌شوند. بارزترین این قوانین و کنوانسیون‌ها، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به همراه دو پروتکل الحاقی آن است که هدف نهایی آن، حمایت از آزادی و تمامیت جسمی و معنوی افراد است.^۱

با توجه به تحولات تاریخی و دگرگونی‌های گسترده حقوقی و قانونی که در زمینه‌های مختلف صورت گرفته است، بحث اسیران جنگی و حقوق و تکالیف آن‌ها نیز پس از فراز و نشیب‌های تاریخی در سال‌های ۱۹۰۷، ۱۹۲۷، ۱۹۴۷، ۱۹۴۹، ۱۹۸۲، به صورت گسترده و با حضور اکثریت کشورهای دنیا تعریف و وظایف، حقوق، قوانین و مقررات ناظر بر اسیران جنگی، تدوین و لازم الاجرا گردید.^۲

■ حقوق حاکم بر رفتار با اسیران جنگی

حقوق حاکم بر رفتار با اسیران جنگی تا قبل از اعلامیه ۱۸۷۴ بروکسل و عهدنامه‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه، عمدتاً مبتنی بر عرف بود؛ اما امروزه عهدنامه‌های بین‌المللی در این مورد، نقشی اساسی دارند که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان عهدنامه سوم ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ دانست. این عهدنامه ضمن تایید مقررات ۱۹۰۷ در عهدنامه ۱۹۲۹ ژنو، آن‌ها را مورد تجدید نظر قرار داده و تکمیل نمود. عهدنامه مذکور مشتمل بر حدود ۱۵۰ ماده است. هدف اساسی این قواعد، «احتراز از کلیه اقداماتی است که برای تضمین امنیت کشور متخاصم اسیرکننده غیرضروری است». «اندیشه اساسی که این مقررات از آن الهام گرفته، این است که اسارت جنگی صرفاً اقدام سرکوب کننده نیست، بلکه اقدامی احتیاطی و بازدارنده تلقی می‌شود که در مورد دشمنی که سلاح خود را به زمین گذارده است، اتخاذ می‌گردد».^۳

۱ - مجری این قوانین و مقررات و رسیدگی به جرائمی مانند نسل کشی، جنایات جنگی و ... در حال حاضر در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی است. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ به انضمام دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ که بخش‌هایی از آن به عنوان حقوق بین‌الملل عرفی، امروزه مخاصمات مسلحانه معاصر را نظم می‌بخشد نیز نباید از نظر دور داشته شوند. این کنوانسیون‌ها منع رفتارهای توهین آمیز نسبت به نظامیان آسیب دیده و شکست خورده، غیرنظامیان و زندانیان جنگی در طی مخاصمات مسلحانه را خاطر نشان کرده اند. (نقش و جایگاه پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ در حقوق بین‌الملل، حسین جهان تیغ، حسین نجفی، پرتال جامع علوم انسانی، فصلنامه جستارهای حقوق عمومی، سال دوم، شماره پنجم، تابستان ۱۳۹۷).

۲ - بررسی حقوق اسرای جنگی در اسناد بین‌المللی، ۱۳۹۸/۶/۶.

۳ - اعتماد نافرجام (تاریخ بدعهدی‌های ایالات متحده آمریکا)؛ ابودرگوهری مقدم، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، ص ۱۹۵.

طبق مقررات مذکور، اصولاً برخورداری از وضعیت اسیران جنگی، از لحظه اسارت تا پایان آن است. با این همه برخی از غیرنظامیان نیز می‌توانند از این وضعیت برخوردار شوند؛ از جمله خدمه کشتی‌های بازرگانی یا ناوهای هوایی غیرنظامی، خبرنگاران و بالاخره مددکاران بهداشتی و مذهبی.

وضعیت حقوقی اسیران جنگی مشتمل بر جنبه‌های گوناگون به شرح ذیل است:

■ جنبه‌های گوناگون وضعیت حقوقی اسیران جنگی^۱



۱ - حقوق جنگ و رفتار با اسیران جنگی، دکتر محمد رضا ضیائی بیگدلی، پرتال جامع علوم انسانی، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۸، ص ۱۶۵، ۱۳۶۶.

■ مفهوم اسیر در کنوانسیون ۱۹۴۹

متن کنوانسیون ۱۹۴۹م ژنو در مورد مفهوم اسیر چنین است:

الف) ماده چهارم، تنها افراد ذیل را مشمول حقوق مقرر در کنوانسیون می‌داند:

۱- اعضای نیروهای مسلح یکی از متخاصمین، چریک‌ها و دسته‌های داوطلب که جزء نیروهای مسلح مزبور باشند.

۲- چریک‌ها و اعضای سایر دسته‌های داوطلب نهضت‌های مقاومت، متعلق به یک دولت متخاصم که در داخل یا خارج خاک خود

مشغول عملیات باشند ولو آن که خاک مزبور اشغال شده باشد.

۳- اعضای نیروهای مسلح منظم، خود را وابسته به دولت یا مقامی معرفی نمایند که از طرف دولت دستگیر کننده به رسمیت شناخته

شده باشند.

۴- کسانی که همراه نیروهای مسلح هستند، بی‌آنکه مستقیماً جزء آن باشند، از قبیل اعضای غیرنظامی کارکنان هواپیمای جنگی،

خبرنگاران جنگی، تهیه‌کنندگان اجناس و اعضای واحدهای کار یا خدمت که عهده‌دار آسایش نیروهای مسلح هستند.

۵- کارکنان نیروهای بحریه بازرگانی، از جمله فرماندهان، ناخدا و کارکنان هواپیمای کشوری دولت‌های متخاصم که به موجب این

مقررات حقوق بین‌الملل، از معامله مساعدتری برخوردار نیستند.

۶- اهالی اراضی اشغال نشده که موقع نزدیک شدن دشمن بی‌آنکه فرصت تشکیل نیروهای منظم را داشته باشند و از روی اجبار

برای مبارزه با دشمن، اسلحه به دست می‌گیرند. مشروط به اینکه علناً اسلحه حمل نمایند و قوانین جنگ را محترم شمارند.

ب) اشخاصی که به نیروهای مسلح کشور اشغال شده تعلق دارند یا متعلق بوده‌اند، در صورتی که کشور اشغال کننده به علت همین تعلق، اقدام به بازداشت آن‌ها را لازم بداند.

■ نقض آشکار حقوق بشردوستانه در برخورد با اسرای جنگی از سوی آمریکا بر اساس معاهده ژنو

اگرچه موارد نقض حقوق بشردوستانه در برخورد با اسرای جنگی از سوی ایالات متحده، موارد گسترده‌ای را در بر می‌گیرد؛ اما در ادامه تنها به گوشه‌ای از این نقض آشکار در معاهده ژنو، اشاره خواهیم داشت.

زندان «ابوغریب» عراق: از سال ۲۰۰۱ میلادی و وقوع حمله ۱۱ سپتامبر در نیویورک، جورج بوش، رئیس جمهوری وقت

آمریکا اعلام کرده که آمریکا قربانی تروریسم است و با گروه‌های تروریستی در سراسر دنیا خواهد جنگید. این اظهار نظر

بوش، مقدمه‌ای بر سلسله عملیات نظامی و اطلاعاتی ارتش و سرویس‌های امنیتی آمریکا در کشورهای دیگر، به ویژه خاورمیانه

شد. بازداشت‌های غیرقانونی گسترده‌ای در خاک آمریکا و کشورهای افغانستان و عراق صورت گرفت. اشخاص تنها به دلیل

مظنون بودن به ارتباط با گروه‌های تروریستی، بدون هرگونه محاکمه، بازداشت شده و مدت زمان نامعلومی در بازداشتگاه‌های

مخفی در سراسر دنیا نگهداری می‌شدند. انجام شکنجه‌های جسمی و روانی توسط نیروهای ارتش و سرویس اطلاعاتی آمریکا

از سال ۲۰۰۱ میلادی در رسانه‌ها و محافل سیاسی مطرح شد. انتشار تصاویر آزار و اذیت زندانیان در زندان «ابوغریب» عراق

در رسانه‌های جهان، رسوایی بزرگی به وجود آورد. رئیس جمهوری وقت آمریکا این گونه اعمال را در راستای مبارزه با

تروریسم دانست و تمام زندانیان ابوغریب را تروریست‌های خطرناک معرفی کرد. در حالی که بر اساس رویه جدید ایالات متحده، مظنون بودن شخص به فعالیت‌های تروریستی برای بازداشت وی کافی بود و هیچ محاکمه‌ای صورت نمی‌گرفت.

زندان «گوانتانامو» در کوبا: زندان «گوانتانامو» در کوبا نیز، شاهد انجام این اعمال نسبت به زندانیان محبوس در خود بوده است. دولت آمریکا، فجایع صورت گرفته در این زندان را در مسیر مبارزه با تروریست‌ها اعلام می‌کند. انتشار این تصاویر و صحبت‌های سربازان بازگشته از جنگ، موجب بروز مسئله‌ای حاد برای حکومت آمریکا شد. باراک اوباما پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، دستور داد تا بازجویی‌های سازمان سیا متوقف شود. اوباما اقدام سرویس اطلاعاتی کشورش در شکنجه و بازجویی‌های خشن از مظنونان را خلاف قوانین آمریکا دانست. البته این کارهای سرویس امنیتی آمریکا، هیچ وقت متوقف نشد. **گزارش محرمانه کمیته اطلاعات سنای آمریکا:** «کمیته اطلاعات سنای آمریکا» که مسئول تحقیق و تهیه گزارش از روند مبارزه با تروریسم از سال ۲۰۰۱ تاکنون است، گزارشی شش هزار صفحه‌ای تهیه کرده که به کلی محرمانه و غیرقابل انتشار است. نمایندگان دموکرات مجلس سنا، خلاصه ۴۷۰ صفحه‌ای برای انتشار آماده کرده‌اند که واکنش‌های متفاوتی در آمریکا، به وجود آورده است. در این گزارش، عملکرد جورج بوش و «دیک چنی» معاون اول وی، مورد انتقاد قرار گرفته است. روش‌های به کار گرفته شده توسط آن‌ها ناکارآمد و منفی برآورد شده است. انتقاد اصلی کمیته اطلاعات در این مورد است که با تمام تبلیغات و هزینه‌های انجام شده در این راه، گروه‌های تروریستی هنوز فعال بوده و از سال ۲۰۰۱ تاکنون، بیشتر و قوی‌تر از گذشته نیز شده‌اند. در واقع آمریکا، به عنوان کشور مدعی حقوق بشر، رسوایی بزرگی را در کشورهای مختلف به بار آورده است. وجود شکنجه‌های جسمی و روانی مانند غرق مصنوعی، ضرب و شتم، محرومیت از خواب و تهدید به آزار بستگان در بازداشتگاه‌های مخفی آژانس اطلاعات مرکزی برای اعتراف‌گیری، خود به تنهایی موجب رسوایی این سازمان است. چنانچه مطرح شد، موارد گسترده‌ای از نقض کنوانسیون‌های ژنو، به ویژه کنوانسیون سوم وجود دارد. در اینجا تنها به یکی از این موارد بی‌شمار نقض حقوق بشردوستانه در قبال اسرای جنگی که غرق مصنوعی است، می‌پردازیم.

■ شکنجه غرق مصنوعی

در طول جنگ آمریکا با ویتنام، شکنجه غرق مصنوعی به عنوان عملی غیرقانونی مطرح شد که پس از انتشار عکس و گزارش بحث‌انگیز دو سرباز آمریکایی که یک سرباز ویتنامی را شکنجه می‌کردند، منجر به اخراج آن‌ها از ارتش شد. امروزه همه واحدهای عملیاتی در تمامی شاخه‌های نظامی آمریکا و به ویژه بخش اطلاعات و امنیت آمریکا^۱، به عنوان بخشی از آموزش در جهت ایجاد آمادگی در سربازان برای استفاده در مواقع بازجویی از اسرا، این تکنیک را آموزش می‌بینند. دکتر جerald اگریسک^۲، رئیس سابق ستاد مشترک بهبود پرسنل^۳ به عنوان شاهد در مقابل کمیته مجلس سنا ایالات متحده حاضر شده بود، با اقرار به استفاده از

۱ - CIA

۲ - Dr. Jerald Ogrisseg

۳ - JPRA

شکنجه غرق مصنوعی در نیروهای نظامی، اظهار داشت که انجام شکنجه غرق مصنوعی منافی فرآیند بازجویی تخصصی در فرد شکنجه شده است، اما با وجود این، مقامات نظامی آن را سودمند می‌دانستند.

■ شواهد استفاده از روش غرق مصنوعی^۱

القای حس غرق شدن^۲ که در سال ۲۰۰۵، توسط مدیر سابق سازمان سیا به عنوان یک روش بازجویی حرفه‌ای مشخص شد؛ بر اساس اسناد منتشر شده، سازمان سیا از این روش به منظور کسب اطلاعات موثر یا کسب همکاری از اهداف مهم اطلاعاتی و زندانیان در گوانتانامو، عراق، ویتنام و سایر زندان‌های مخفی بهره برده است. در طول این سال‌ها، این روش کمی اصلاح شده است؛ اما هنوز هم ترس ذاتی از غرق شدن و خفه شدن، فرد را وادار به اعتراف می‌کند. سازمان سیا پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، با کسب نظر وزارت دادگستری آمریکا، برای بازجویی از مظنونین به انجام اعمال تروریستی، از تکنیک‌هایی همچون غرق مصنوعی در زندان‌های مخفی سیا که در خارج از خاک آمریکا قرار دارند، استفاده می‌کرد.^۳

در ۲۱ ژوئن سال ۲۰۰۴، مجله نیوزویک فاش کرد، در یادداشتی که از طرف سازمان سیا به دفتر ریاست جمهوری فرستاده شده بود و در آن از شیوه‌های بازجویی در برابر افراد مظنون به تروریست نظرخواهی شده بود، نام روش غرق مصنوعی به چشم می‌خورد. این برگه که به یادداشت بایبی^۴ معروف شد، به دفتر رئیس جمهور جورج بوش فرستاده شده بود. سازمان سیا که به فضای بازتری برای انجام کارهای ضد بشری خود نیازمند بود، اختیارات فعلی را کافی نمی‌دانست. لذا در آن برگه خواهان آن بود که از نظر حقوقی نحوه برخورد این سازمان با اسرای القاعده مشخص شود. شکنجه غرق مصنوعی در ابتدای لیست سازمان قرار گرفته بود. این برگه که همراه با تاییدیه وزارت دادگستری و شورای عالی امنیت ملی آمریکا بود؛ شامل درخواست سازمان سیا مبنی بر قانونی کردن اعمال شکنجه‌ها در مکان‌هایی به نام «سایت‌های سیاه» که خارج از مرزهای آمریکا بود، بوده است. با وجود اینکه طبق متمم ۵ و ۸ قانون اساسی آمریکا، اعمال خشونت و مجازات ظالمانه و غیرمترافع ممنوع است، این درخواست سازمان سیا پذیرفته شد.

طبق اظهارات دفتر ریاست جمهوری آمریکا در ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۷، در ظاهر فرمان منع شکنجه در بازجویی از مظنونین امضا شده است. با این حال این سند، مانع از آن نشد که تکنیک غرق مصنوعی توسط نیروهای اطلاعاتی آمریکا استفاده نشود. هرچند که در ظاهر، خبرهای منتشر شده توسط خبرگزاری «ای بی سی» در ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۷ نشان می‌داد که بعدها رئیس وقت سازمان سیا،

القای حس غرق شدگی
روش بازجویی حرفه‌ای سیا

اعمال شکنجه سازمان سیا
در مکان‌هایی به نام
«سایت‌های سیاه»

قانونی خواندن غرق
مصنوعی از سوی سخنگوی
وقت سیا

۱ - اعتماد نافرجام (تاریخ بدعهدی‌های ایالات متحده آمریکا)؛ ابوذرگوهری مقدم، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، ص ۱۹۵.

۲ - این روش بازجویی باعث آسیب‌های جدی از جمله آسیب به ریه‌ها، آسیب‌های مغزی، شکستگی استخوان، آسیب‌های روانی، سکنه و حتی مرگ می‌شود.

۳ - اعتماد نافرجام (تاریخ بدعهدی‌های ایالات متحده آمریکا)؛ ابوذرگوهری مقدم، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، ص ۱۹۵.

۴ - Bybee Memo - ۴

مایکل هایدن^۱ سعی در لغو استفاده از روش غرق مصنوعی در بسیاری از بخش‌های این سازمان را داشته و حتی بدین منظور، شخصا به نهاد ریاست جمهوری رفته است، اما سخنگوی وقت سازمان سیا در اظهاراتی متناقض اعلام کرد که این عمل مانند سابق و با اجازه نهاد ریاست جمهوری، همچنان به عنوان یک عملی قانونی که در سال ۲۰۰۲ اعلام شد، انجام می‌شود.

استفاده از این روش، تنها در مورد اعضای القاعده به نام‌های ابوزبیده، خالد شیخ محمد و عبدالرحیم النشیری اشاره دارد و طبق اطلاعات منتشر شده، حداقل ۸۳ بار ابوزبیده و ۱۸۳ بار خالد شیخ محمد از اعضای القاعده را مورد غرق مصنوعی قرار داده‌اند. اما با این حال، جان کریاکو^۲ از افسران بلند پایه سابق سازمان سیا اعلام کرد که از روش غرق مصنوعی در بازجویی و در کسب اعتراف از افراد مختلف استفاده می‌شده و محدود به این افراد و اعضای القاعده نبوده است.

اظهارات اندرو مک کارتی^۳ دادستان وقت دولت بوش، این مطلب را آشکار می‌کند که با وجود بی‌بردن به عواقب و نتیجه انجام این عمل بر روی افراد، این شیوه انجام شده است. باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا، در ژانویه ۲۰۰۹ استفاده از غرق مصنوعی و چند روش دیگر را در بازجویی‌ها، ممنوع اعلام کرد. او اعلام کرد که کارکنان آمریکا باید به کتابچه راهنمای دستورالعمل ارتش به طور صحیح و در چارچوب آن عمل کنند. روزنامه نیویورک تایمز در مقاله‌ای اشاره می‌کند با وجود فرمان رسمی رئیس جمهور مبنی بر عدم ادامه استفاده از این نوع شکنجه در زندان‌ها، تمامی راه‌ها و منافذ قانونی برای عدم استفاده از آن، بسته نشده و همچنین تعدادی از نمایندگان کنگره و اعضای سازمان سیا هنوز بر این باورند که چنین روشی، لازم و کارساز است. با وجود انتشار مطلب در جوامع بین‌المللی و پیگیری و حساسیت نسبت به این مسئله، نه رئیس جمهور و نه وزارت دادگستری ایالات متحده، هیچ‌گونه انگیزه‌ای برای برگزاری جلسه‌ای جهت توضیح به افکار عمومی از خود نشان ندادند.

سازمان سیا به بهانه مشمولیت این اسناد در طبقه «اسرار ملی»، از پیگیری این موضوع و حتی مصاحبه با قربانیان، جلوگیری به عمل می‌آورد و تنها در اوایل سال ۲۰۰۹، دولت جدید، چند یادداشت طبقه بندی شده از وزارت دادگستری زمان دولت جورج دبلیو بوش منتشر کرد که در آن، مسئله غرق مصنوعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته بود. رئیس جمهور باراک اوباما با این ایده که کارکنان سازمان سیا که این شکنجه را انجام داده‌اند، باید تحت پیگرد قانونی قرار گیرند، مخالف بود؛ اما اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا به انتقاد از این موضع رئیس جمهور پرداخت. کاخ سفید مخالف پیگیری این مسئله و معتقد بود که این کار، سبب ایجاد تنش‌های داخلی و افت امنیت و جایگاه آمریکا در سطح بین‌المللی می‌گردد. نظرسنجی‌ها نیز نشان می‌داد که بیشتر مردم بر این

**اعتراف افسر بلند پایه سیا
به استفاده از روش غرق
مصنوعی در بازجویی و در
کسب اعتراف از افراد
مختلف**

**اعتقاد نمایندگان کنگره و
اعضای سازمان سیا بر لازم
و کارساز بودن روش غرق
مصنوعی**

**کاخ سفید مخالف پیگیری
موضوع غرق مصنوعی**

۱ - Michael Hayden
۲ - John Kiriakou
۳ - Andrew C. McCarthy

باورند که پیگیری این امر، امنیت ملی آمریکا را در معرض خطر قرار می‌دهد و بر همین اساس، پیگیری این امر به طور کلی منتفی شد؛ اما همچنان جای این سؤال باقی است که با وجود اسناد منتشر شده و اشاعه آن در سطح بین‌المللی، آیا غرق مصنوعی هنوز هم به عنوان آموزش برای کارکنان نظامی آمریکا و در نتیجه به عنوان شکنجه در مقابل افرادی که در بازجویی‌ها مقاومت می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد یا خیر؟

■ اتفاق نظر دولت مردان آمریکایی در خصوص استفاده از غرق مصنوعی

هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه، به صورت آشکارا از انواع شکنجه‌ها حمایت کرده و به عنوان مثال، در مناظره‌های حزبی از آن سخن به میان آورده‌اند. به عبارتی دیگر، مناظره‌های انتخاباتی، عدم وجود هرگونه اختلاف نظر بین دو حزب را در این مورد نشان می‌دهد. دونالد ترامپ در مبارزات انتخاباتی خود، به عنوان کاندید حزب جمهوری خواه آمریکا، در نطقی اظهار داشت که اگر به ریاست جمهوری برسد، غرق مصنوعی را که زمان ریاست جمهوری بوش قانونی بوده است، از سر می‌گیرد. او معتقد است که این تکنیک، موثر بوده و اگر این روش موثر نیست، «آن‌ها که سزاوار آن هستند، به خاطر کارهایی که با ما کردند». او همچنین بیان می‌کند که این افراد، به دلیل اینکه قصد نداریم تا از این روش استفاده کنیم، به ما خواهند خندید. او معتقد است که برای این افراد، باید جهنمی بدتر از غرق مصنوعی آماده کنیم.

باراک اوباما سعی داشت با استناد به متمم ۵ و ۸ قانون اساسی، قانون جنایات جنگی، کنوانسیون‌های حقوق بین‌المللی و دیگر منابع قانونی این عمل را غیرقانونی و آن را ممنوع اعلام کند. او با طرح این مسئله که این عمل به نوعی اعدام ساختگی است تا سبب ناتوانی، وحشت و ترس می‌شود، در ظاهر سعی در ملغی کردن آن داشت، اما این امر، با وجود اختیارات او انجام نشد. هیلاری کلینتون نیز با اقرار به وجود و اعمال چنین روش خشنی، معتقد است که با وجود انجام این عمل، باید قدرتی قانونی برای پیگیری آن وجود داشته باشد و شخص رئیس‌جمهور باید پاسخگوی این عمل باشد. او معتقد است، در شرایطی که اطمینان کافی از وقوع اتفاقی وجود دارد، می‌توان از شکنجه‌ها استفاده کرد. در واقع کلینتون از اعطای اجازه قانونی تنها رئیس‌جمهور در موارد لازم برای اعمال شکنجه، حمایت می‌کند، دقیقاً مانند عملی که رئیس‌جمهور سابق، جورج بوش انجام داد. کلینتون تنها به ارائه گزارش مخفیانه به کنگره اشاره و با ارائه هرگونه مطلبی به مردم مخالفت می‌کند.

بیل کلینتون^۱، رئیس‌جمهور سابق و همسر هیلاری کلینتون، عقاید یکسانی با او دارد و معتقد است که می‌توان در موارد لزوم از اعمال شکنجه استفاده کرد و پیگیری این عمل باید در دادگاه‌های خاصی که توسط دولت ایجاد شده است، انجام شود. **دیک چنی**^۲ معاون رئیس‌جمهور سابق، به طور علنی اذعان داشت که دولت جورج بوش از شکنجه‌ها برای بازجویی از افراد استفاده می‌کرد. او از این روش، شدیداً حمایت می‌کرد و معتقد است که استفاده از آن، سبب ایجاد امنیت برای کشور خواهد شد.

۱ - Bill Clinton

۲ - Dick Cheney

جان اشکرافت^۱ دادستان کل در زمان جورج بوش با شکنجه مخالف بود اما غرق مصنوعی را شکنجه نمی دانست. او معتقد بود که این روش، بسیار موثرتر از دیگر روش‌ها است. اسناد منتشر شده از سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا، نشان دهنده این امر است که سران و حکام این کشور- که همواره دم از حقوق بشر می‌زنند و بقیه کشورها را به نقض قوانین بین‌المللی متهم می‌کنند - از هیچ راه و روشی برای رسیدن به اهداف و نیات خود چشم‌پوشی نمی‌کنند؛ حتی اگر این راه و روش‌ها، شکنجه افراد باشد. با وجود اینکه روانشناسان و کارشناسان همواره اذعان داشته‌اند که این روش، کارساز نبوده و تبعات منفی بسیاری را برای شکنجه‌شوندگان داشته است، آن‌ها از این عمل منصرف نشده و همواره سعی در انکار و مخفی کردن این عمل از افکار عمومی را داشته‌اند و حتی این اسناد را از ارگان‌های قضایی خود مخفی کرده‌اند. با این حال، جنایات آمریکا همواره ادامه دارد و به مرور زمان، اسناد مختلفی از ابعاد اقداماتشان حتی از طرف خود مراکز آمریکا منتشر می‌شود.

■ استانداردهای دوگانه آمریکا در رعایت حقوق زندانیان^۲

رفتار آمریکا حاکی از نوعی تناقض و دوگانگی در استانداردهای حقوق زندانیان:

اگرچه تلاش برای توجیه اخلاقی اعمال شکنجه قبل از ۱۱ سپتامبر نیز وجود داشت، اما این امر، عمدتاً به پس از وقایع ۱۱ سپتامبر برمی‌گردد. پس از این تاریخ، رویکرد دولت آمریکا در موضوع اسیران جنگی، اصرار بر اعمال قدرت اجرایی گسترده و تلاش برای تعریف دوباره قواعد حاکم بر رفتار با زندانیان و اسیران جنگی بود. این رویکرد در تفسیر شکنجه، آن چنان دایره را محدود کرده است که بسیاری از رفتارهایی که وقتی از سوی دیگران اعمال می‌گردید، دولت آمریکا آن را به عنوان شکنجه محکوم می‌نمود، اما وقتی به وسیله نیروهای آمریکایی صورت می‌گرفت، ممنوع به نظر نمی‌رسید. به عبارتی رفتار آمریکا از نوعی تناقض و دوگانگی در استانداردهای حقوق زندانیان حکایت می‌کند. در واقع نمی‌توان پذیرفت که شکنجه نسبت به برخی اسیران جنگی در دست نیروهای آمریکایی روا باشد، در عین حال دولتمردان آمریکایی از مطلق بودن این ممنوعیت نسبت به دیگر دولت‌ها حمایت کنند.

تغییر و تفسیر استانداردهای حقوق بشردوستانه از سوی روسای جمهور آمریکا:

چنین رویکردی با توجه به اصل استاپل و منع تناقض‌گویی مردود است. در واقع، ریشه حقوقی مشکل را باید در قانون اساسی آمریکا و اختیارات فوق‌العاده رئیس‌جمهوری این کشور به عنوان فرمانده کل قوا جستجو کرد. لذا ضروری است تا به مسئله حقوق بشردوستانه در خصوص اسرای جنگی و رعایت آن از سوی آمریکا به صورت رفتار ساختار قدرت آمریکا و نه در مقاطع حضور روسای جمهوری مختلف نگریست. به بیانی بهتر، ساختار قدرت در آمریکا این امکان را برای روسای جمهورش فراهم آورده است تا به راحتی به تغییر و تفسیر استانداردهای حقوق بشردوستانه اقدام کنند.

رعایت نکردن هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی در رفتار با اسیران جنگی از سوی نیروهای آمریکایی:

۱ - John Ashcroft

۲ - اعتماد نافرجام (تاریخ بدعهدی‌های ایالات متحده آمریکا)؛ ابوذره‌گری مقدم، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، ص ۱۹۵.

به طور کلی در تعامل میان حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی کشورها، اصل بر این است که حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی کشورها تفوق و برتری دارد، اما در قانون آمریکا، هیچ نشانه‌ای از قبول این مسئله وجود ندارد. به همین دلیل بود که به رغم تصویب طرح مک‌کین در لزوم رعایت هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی در رفتار با اسیران جنگی از سوی نیروهای آمریکایی، در نهایت این خواست قوه مجریه و رئیس آن، یعنی رئیس جمهور آمریکا بود که با صدور فرمان ۱۳۴۴۰، استفاده از تکنیک‌های جایگزین به وسیله سازمان سیا را رسمی کرد و به اعضای این سازمان، اجازه داد تا به اقدامات قبلی خود در دستگیری‌ها و بازجویی‌های محرمانه اقدام نمایند.

نقض بسیاری از هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی از سوی نیروهای آمریکایی:

مورد نقض قرار گرفتن در هر حال، حتی تحقیقات رسمی دولت آمریکا بیانگر این واقعیت تلخ است که بسیاری از هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی از سوی نیروهای آمریکایی در رفتار با اسیران جنگی پس از ۱۱ سپتامبر، به خصوص علیه اسیران جنگی دربند زندان ابوغریب، مورد نقض عمده قرار گرفته است. حداقل می‌توان گفت، بعضی از مقامات آمریکایی با بازخوانی قواعد حقوقی، راه را برای ارتکاب شکنجه‌های دهشتناک علیه اسیران جنگی باز نمودند. با توجه به جریحه‌دار شدن وجدان بشریت و نظم بین‌المللی از ارتکاب این اعمال، عدالت کیفری ایجاب می‌کند که افراد مسئول در این زمینه (اعم از مرتکبان و آمران)، تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرند تا اختلال در نظم عمومی و تآثر افکار عمومی جهانی ناشی از این جرائم، ترمیم یابد.

مسئولیت حقوقی دولت آمریکا در قبال نقض شدید در مقیاس گسترده یک تعهد بین‌المللی:

به علاوه، در چنین مواردی مسئولیت بین‌المللی دولت نیز قابل طرح خواهد بود، چنان که دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، در قضیه «فوروندزیا» به هنگام بررسی موضوع شکنجه و پس از ذکر شکنجه به عنوان یک جنایت جنگی و به عنوان جنایت علیه بشریت، اشعار می‌دارد «بر اساس حقوق بشردوستانه بین‌المللی کنونی علاوه بر مسئولیت کیفری فردی، در نتیجه دخالت رسمی دولت در شکنجه یا ترک فعل و کوتاهی در جلوگیری از آن یا مجازات شکنجه‌گران، مسئولیت دولت نیز موضوعیت پیدا می‌کند. اگر شکنجه در پرتو رو به گسترده‌گی ماموران دولتی انجام گرفته باشد، در این صورت، شکنجه برابر است با نقض شدید در مقیاس گسترده یک تعهد بین‌المللی که از اهمیت زیادی در حمایت از انسان‌ها برخوردار بوده است، بنابراین عمل خلاف شدیدی انجام گرفته که منجر به مسئولیت دولت می‌شود.»

■ کلام آخر

بنا بر شواهد و مدارکی که از رفتار آمریکا با زندانیان و اسرای جنگی در نقاط مختلف جهان، از جمله در افغانستان، عراق و ویتنام و در مواردی همچون گواتانامو و ابوغریب وجود دارد، می‌توان به رویه‌ای از بدعهدی‌ها و موارد نقض عهد آمریکا در برابر کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ دست یافت که این اجازه را به سربازان این کشور می‌دهد تا رفتاری متناقض با مفاد این کنوانسیون، با اسیران در پیش گرفته و آن‌ها را به بهانه‌های مختلف از حداقل حقوق انسانی در دوران اسارت محروم سازند. به نظر می‌رسد، موارد اظهار شده از این نوع نقض فاحش کنوانسیون ژنو در خصوص اسیران، تنها قله‌ای از کوه یخی باشد که ظاهر شده است. با وجود این، ایالات متحده به همراه رسانه‌های جریان اصلی خود در تلاش بوده است تا با توسل به تفاسیر مختلف، از زیر فشارهای بین‌المللی و داخلی افکار عمومی، شانه خالی کند.

